

## حقوق عمومی در اندیشه مانی با تأکید بر نهاد دولت

سعید احمدی\*

دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد واحد رفسنجان

### چکیده

در همه جوامع بشری همواره نوعی نظام سیاسی برقرار بوده، اما حقوق عمومی به معنای امروزی آن در دوران باستان مطرح نبوده است، هر چند مسائل عمده آن، از جمله برخی موضوعات حقوق اساسی، از ریشه‌دارترین مباحث در اندیشه بشری و تعالیم انبیاء به شمار می‌رود. برخی از آموزه‌های حقوق عمومی چون قانون را می‌توان در اندیشه‌های ارسطو، افلاطون و... و یا دولت و نوع رابطه آن با مردم را در آموزه‌های هابز، لاک، روسو و... مشاهده کرد. از همین رو سعی ما در این تحقیق این است که دریابیم آیا ارتباطی بین آموزه‌های مانی و حقوق عمومی برقرار است؟ و اگر آری در چه زمینه‌هایی (دولت، حاکمیت، قانون و...) این ارتباط برقرار است؟ مفروض این تحقیق بر این استوار است که می‌توان بین آموزه‌های مانی و برخی از مفاهیم حقوق عمومی رابطه مشاهده کرد و البته این رابطه مستقیم نیست بلکه توسط دیگران از جمله آگوستین وارد در حقوق عمومی شده است. در انجام این تحقیق از ابزار کتابخانه‌ای و اسنادی و روش تحلیلی - توصیفی بهره گرفته شده است.

### کلید واژه‌ها

مانی، آگوستین، حقوق عمومی، دین، دولت.

\* Email: saeedahmadi1364@gmail.com.

در همه جوامع بشری همواره نوعی نظام سیاسی برقرار بوده، اما حقوق عمومی به معنای امروزی آن در دوران باستان مطرح نبوده است، هر چند مسائل عمده آن، از جمله برخی موضوعات حقوق اساسی، از ریشه‌دارترین مباحث در اندیشه بشری و تعالیم انبیاء به شمار می‌رود (عمیدزنجانی، 1383: 138). مصر و ایران دو نمونه بارز تبدیل از مرحله قبیله‌ای و بدوی به جوامع بزرگ و سازمان یافته با دستگاه دیوانی وسیع بودند. در ایران دوره هخامنشی و اشکانی، با وجود گونه‌ای قانون اساسی، عواملی چون استقرار نظام طبقاتی و انحصار مناصب حکومتی به اشراف، راه را برای گفتگوی بی‌واسطه دولت با ملت بسته بود (قاضی، 1383: 43). یونان باستان، به سبب موقعیت جغرافیایی و تاریخی خود، ترکیبی از دولت شهرهای کوچک بود که هریک از این شهرها قانون اساسی خاصی داشت. حقوق اساسی یونان یکی از نخستین و عمده‌ترین سرچشمه‌های حقوق اساسی در دنیای باستان بود. ارسطو حدود چهار قرن پیش از میلاد، قریب به 158 قانون اساسی گذاشته و زمان خود را در این دولت شهرها برشمرده است (قاضی، 1383: 46). در واقع در دنیای باستان می‌توان به آموزه‌ها و اندیشه‌های برخورد که ریشه‌های فکری حقوق عمومی امروزه را تشکیل می‌دهند، از جمله اندیشه‌های افلاطون، ارسطو، مسیح و ... حتی می‌توان در آموزه‌های مانو نیز مواردی را یافت که در حقوق عمومی امروزه نیز نشانه‌هایی از آن وجود دارد. برای فهم ارتباط اندیشه‌های مانو و حقوق عمومی شایسته است در ابتدا مختصر توضیحی درباره حقوق عمومی و نگاهی به زندگی و آموزه‌های مانو داشته باشیم و در پی آن به کشف پیوستگی اندیشه‌های مانو با برخی از وجوه حقوق عمومی اشاره کنیم.

### آشنایی با حقوق عمومی

حقوق عمومی، شاخه‌ای از علم حقوق است که سازمان‌بندی تشکیلات حکومتی و سازمان‌های دولتی و روابط افراد با سازمان‌های حاکم، فرمانروایان با یکدیگر و فرمانروایان با فرمانبران را مورد مطالعه قرار می‌دهد. مونتسکیو — که حقوق عمومی را حقوق سیاسی خواند — آن را مناسبات میان حاکمان و حکومت شوندگان تعریف کرده است (مونتسکیو، 1362: 90). ولی تعاریف معمول از حقوق عمومی مناقشه‌پذیر است، زیرا از یک سو ممکن است سازمان یا مؤسسه‌ای دولتی به کارهایی بپردازد که مصداق اعمال حاکمیت نباشد (مانند تشکیل شرکت تجاری) و از سوی دیگر، برخی اشخاص حقوقی غیرعمومی ممکن است به اموری بپردازند که ماهیت عمومی دارند. از این‌رو، برای تعیین معیار قواعد حقوق عمومی، می‌توان به کاربرد حق حاکمیت هم توجه کرد و حقوق عمومی را چنین تعریف کرد: قواعد حاکم بر دولت و مناسبات دولت و سازمان‌های وابسته آن با مردم، در جایی که این سازمان‌ها در مقام اعمال حق حاکمیت و اجرای اقتدار عمومی هستند (کاتوزیان، 1383: 18).

### پیشینه حقوق عمومی

در همه جوامع بشری همواره نوعی نظام سیاسی برقرار بوده، اما حقوق عمومی به معنای امروزی آن در دوران باستان مطرح نبوده است، هر چند مسائل عمده آن، از جمله برخی موضوعات حقوق اساسی، از ریشه‌دارترین مباحث در اندیشه بشری و تعالیم انبیاء به شمار می‌رود (عمیدزنجانی، 1383: 138). مصر و ایران دو نمونه بارز تبدیل از مرحله قبیله‌ای و بدوی به جوامع بزرگ و سازمان یافته با دستگاه دیوانی وسیع بودند. در ایران دوره هخامنشی و اشکانی، با وجود گونه‌ای قانون اساسی، عواملی چون استقرار نظام طبقاتی و انحصار مناصب حکومتی به اشراف، راه را برای گفتگوی بی‌واسطه دولت با ملت بسته بود (قاضی، 1383: 43). یونان باستان، به سبب موقعیت جغرافیایی و تاریخی خود، ترکیبی از دولت شهرهای کوچک بود که هریک از این شهرها قانون اساسی خاصی داشت. حقوق اساسی یونان یکی از نخستین و

عمده‌ترین سرچشمه‌های حقوق اساسی در دنیای باستان بود. ارسطو حدود چهار قرن پیش از میلاد، قریب به 158 قانون اساسی گذاشته و زمان خود را در این دولت شهرها برشمرده است (قاضی، 1383: 46)

### سیر تکامل حقوق عمومی

در گذشته غالب حقوق‌دانان به حقوق خصوصی اهتمام بیشتری داشتند (کاتوزیان، 1379: 79). از اواخر قرن سیزدهم/نوزدهم و اوایل قرن چهاردهم/بیستم، به‌ویژه بعد از جنگ جهانی دوم، افزایش دخالت‌های دولت در امور خصوصی، بر وسعت قلمرو حقوق عمومی افزود و با توسعه روزافزون حقوق عمومی و دخالت دولت در امور اقتصادی، با هدف جلوگیری از نابرابری‌ها و محدود کردن مالکیت خصوصی، همه رشته‌های حقوق خصوصی تحت تأثیر قرار گرفت؛ حتی ماهیت پاره‌ای از قواعد حقوق مدنی، که در واقع پایه حقوق خصوصی است، امروزه تغییر یافته و با مقررات حقوق عمومی درآمیخته است (کاتوزیان، 1383: 26). از سوی دیگر، هر چند موضوع حقوق عمومی، دولت یا نهادهای سیاسی است، در نهایت به ارضای نیازهای فردی توجه می‌کند (کاتوزیان: 1383: 26)

### هدف حقوق عمومی

آرمان حقوق عمومی، قانونمند کردن دولت و حکومت است تا زمامداران در برابر مردم مسئول باشند و ابتکار عمل به دست مردم باشد. وجود قدرتی که بتواند بر پایه قواعد و هنجارهای اخلاقی و حقوقی، امنیت و عدالت را در جامعه مستقر سازد، ضروری است، اما موضوع اصلی چگونگی رابطه نظام حقوقی با نظام سیاسی است. در نظام‌های سنتی حکومت، حاکمان تدوین‌کننده قواعد و هنجارها و نیز اجراکننده آن‌ها بودند و در نتیجه تفوق نظام سیاسی بر نظام حقوقی، ظلم و فساد حاکم بود. پس از تفوق نظام حقوقی بر نظام سیاسی در نظام‌های جدید، قوانین اساسی تدوین و مناسبات حقوقی زمامداران با مردم مشخص شد، که حاصل آن، گسترش آزادی فردی و نیز توافق افراد جامعه برای تعیین سرنوشت و انتظام امور خود براساس قرارداد اجتماعی بود.

### آشنایی با زندگانی و آموزه‌های مانی

پیش از پرداختن به ارتباط اندیشه‌های مانی با حقوق عمومی، لازم است مختصر اشاره‌ای نیز به شرایط ظهور مانی نیز داشته باشیم، در واقع هر اندیشه و آموزه‌ای متأثر از شرایط زمانی و مکانی پیدایی آن است و بدون توجه به آن شرایط، نمی‌توان به فهم مناسبی از آن اندیشه‌ها و آموزه‌ها نائل آمد.

کریستین سن که پژوهش‌هایی پیرامون درباره ایران در دوران ساسانیان انجام داده، سال 226 میلادی را که همزمان با تاج‌گذاری رسمی اردشیر ساسانی بوده است، تاریخ تولد حکومتی می‌داند که تا بیش از چهارصد سال بعد، سرزمین‌های پهناوری از باختر و خاور این کره خاکی را زیر سلطه مطلق و بی‌رقیب خود داشت. (کریستین سن، 1377: 170). دین زرتشت که از اواخر حکومت اشکانیان در سراسر ایران توسعه یافته بود، به دستور حکومت مرکزی به عنوان دین ملی و رسمی کشور معرفی شد (راوندی، 1383: 662). در واقع «دو چیز موجب امتیاز دولت ساسانی از دولت متقدم خود است، یکی تمرکز قوا و دیگری ایجاد دین رسمی. اگر عمل نخست را بازگشت به سنت‌های داریوش کبیر بشمار آوریم، عمل دوم را به درستی باید از ابتکارات ساسانیان بدانیم (کریستین سن، 1377: 149). اما یکی از مهمترین و چشم‌گیرترین ویژگی‌های حکومت ساسانی، که در بیشتر منافع معتبر تاریخی نیز بدان اشاره شده، وجود نظام سخت طبقاتی بوده است؛ تا جایی که بسیاری از پژوهشگران و تاریخ نگاران جنبش مانی و در پی آن مزدک را واکنشی به همین نظام طبقاتی دانسته‌اند. (عطایی‌فرد، 1384: 19).

## نگاهی به اوضاع اجتماعی ایران در دوران ساسانیان

در دوران ساسانیان مانند قرون گذشته در جامعه ایران اختلاف شدید طبقاتی حکومت می‌کرد. ساسانیان پس از آنکه بنیان حکومت خود را استوار کردند، برای حفظ موقعیت هر یک از طبقات سیاست نوینی را پیش گرفته و سعی کردند مقام و جایگاه هر یک از طبقات مشخص گردد و نجبا و اشراف کاملاً از طبقه متوسط و توده مردم جدا گردند. اردشیر بابکان، پایه‌گذار اصلی این سلسله معتقد بود که منتقل شدن مردم از مراتب خویش سبب سرعت انتقال شاهی از پادشاه است» (میخائلوویچ دیاکونوف، 1383: 340). برای آشنایی بیشتر با نظام طبقاتی در آن دوران، حدود اختیارات، سطح برخورداری‌ها و محدودیت‌های هر یک از طبقات چهارگانه را به گونه فشرده بررسی می‌کنیم:

### • روحانیون

طبقه روحانیون در رأس طبقه ممتاز قرار داشتند و رؤسای آنها از میان صنف مغان انتخاب می‌شدند (میخائلوویچ دیاکونوف، 1383: 320). مسلم است که پس از روی کار آمدن سلسله ساسانی و در پی آن رسمی شدن دین زرتشت، نفوذ و قدرت معنوی روحانیون فزونی گرفت تا جایی که: «هر فرد ایرانی از گهواره تا گور تحت نظارت و سرپرستی روحانیون بود.» (راوندی، 1383: 691) در محاکمات مذهبی و در جمیع اموری که با مذهب تماس داشت، شاه رای موبدان را می‌خواست و چون موبد موبدان مشاور روحانی شاه بود، در تمام شئون کشوری نفوذ فوق‌العاده‌ای داشت. (کریستین سن، 1383: 176).

### • جنگیان

تا پیش از سلطنت خسرو اول، کل ارتش ایران زیر فرماندهی یک نفر امیر بزرگ موسوم به ایران سپاه بزرگ قرار داشت. وی در عین حال وزیر جنگ نیز محسوب می‌شد و در عقد صلح با دشمن اختیار وافی داشت. از اینکه مقام مذکور عضو دایره کوچک مشاوران شاهنشاه بود، چنین بر می‌آید که تشکیلات و اداره کل ارتش کشور را بر عهده داشته و به عنوان وزیر جنگ کارهای ادارات جنگی را تمشیت می‌داده است (کریستین سن، 1383: 176) البته ناگفته نماند که شخص شاه نیز در امور جنگ (وزارت جنگ)، که از ادارات مهم دربار بود غالباً مداخله مستقیم می‌کرد. (کریستین سن، 1383: 193).

### • دبیران

پس از روحانیون و جنگیان، مستخدمین ادارات یا همان دبیران، در دستگاه حکومت ساسانی مقام و جایگاه ممتازی داشتند و کسانی که به این شغل گماشته می‌شدند غیر از اطلاعات ادبی باید در مسایل اجتماعی و سیاسی زمان خود نیز مطالعات کافی می‌دانستند. در واقع دبیران سیاستمداران واقعی دربار به شمار می‌رفتند. از بین طبقه دبیران آنان که سیاستمداران واقعی دربار را تشکیل می‌دادند از بین زبردست‌ترین منشیان و بهترین خطاطان، در دربار استخدام می‌شدند و سایرین را به ولایات می‌فرستادند. (کریستین سن، 1383: 196) در واقع، سامان کارهای کشوری به دست طبقه دبیران بوده است.

### • کشاورزان

بنیان اقتصادی امپراطوری ساسانی همچنان متکی به کشاورزی بوده و به اقتصاد تجاری و بازارها کمتر اهمیت می‌دادند (کریستین سن، 1383: 197). کشاورزان روستانشین مانند صنعتکاران شهرنشین مالیات می‌دادند و مادام‌العمر مجبور بودند در همان قریه ساکن باشند و در پیاده نظام خدمت کنند. روستاییان بزرگترین توده ملت را تشکیل می‌دادند و از لحاظ قانونی آزاد بودند، ولی در عمل به صورت بردگانی وابسته به زمین درآمد بودند و با اراضی و دهکده‌ها فروخته می‌شدند.»

گریشمن، 1379: 330) دهقانان از یک سو ستون اصلی ارتش ساسانی بودند و از سوی دیگر با تولید محصول کشاورزی و همچنین پرداخت مالیات، پایه‌های اقتصاد ملی را بر دوش داشتند.

### سیاست دینی ساسانیان

پیش از ساسانیان و در زمان اشکانیان، دین ایدئولوژی مسلط یا شکل مسلط ایدئولوژی بود که به صورت تثلیث اورمزد، ناهید و مهر درآمده بود و سرانجام در دوران ساسانی به شکل آئین زرتشتی یکتاپرستانه و این بار مجهز به قواعد مختلف شرعی، اصولی و کلامی پایه معنوی دولت قرار می‌گیرد (گریشمن، 1379: 335). بدون تردید نمایندگان دین قدیمی (زرتشت) منظورشان از برقرار ساختن مذهب رسمی و به وجود آوردن قوانین شرعی، متوقف ساختن تعالیم جدید مانوی و مسیحی بود (ویدن گر، 1376: 49). در چنین شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بود که نخستین پرچم مخالفت رسمی بالا رفت و کار به جایی رسید که رفته رفته جنبشی بزرگ برپا شد؛ جنبشی که مانی سردمدار آن گشت.

### آشنایی با مانی و اندیشه‌های او

مانی در 215 میلادی در بابل (میانرودان) زاده شد. «پدر مانی به نام پاتیک از اهالی همدان و مادرش از دودمان کامسراگان و از خویشان دودمان پادشاهی اشکانی بود. آشنایی نخستین او با آئین گنوسی رایج در بین‌النهرین ناشی از گرویدن پدر به آن فرقه بود. بنابراین کودکی مانی در میان گنوسیان سپری گردید و آموزه‌های کودکی او متأثر از اعتقادات آنان شد، همچنان که بعدها دین خودش نیز متأثر از عقاید گنوسی بود (وسکایا، 1353: 24). می‌گویند در 13 سالگی نخستین وحی به او رسیده و در 25 سالگی وحی دیگری به وی شده که موید الهام اولی بوده. او پس از مطالعاتی که در اطراف دین زرتشت و مسیحیت و آئین بودایی نمود، به دعوت مردم پرداخت و خود را «فارقلیط» که مسیح ظهور او را خبر داده بود نامید و گفت: در هر زمانی انبیاء حکمت و حقیقت را از جانب خدا به مردم عرضه کرده اند، گاه در هندوستان توسط پیامبری به نام بودا و گاهی در ایران به وسیله زرتشت و زمانی در مغرب زمین توسط عیسی و عاقبت من که مانی پیامبر خدا هستم مامور نشر حقایق در سرزمین بابل گشتم (کریستین سن، 1383: 363) مانی، از نعمت آشنایی با کتب پیامبران گذشته و عقاید و آثار آنان آشنایی برخوردار بود. از این رو، او حکمت جهان‌بینی دین خود را از جهان بینی گنوستیک‌ها، سرودهایش را از بابلی‌ها، فلسفه تناسخ را از بودائیان، اسامی فرشتگانش را از سوربانی‌ها و بالاخره اصول عقایدش را از مواعظ زرتشتیان وام گرفته بود، ولی مسیحیت بالاترین نقش را در دیانت مانی داشت (سایکس، 1380: 550). او شش کتاب مقدس خود را به زبان سریانی که زبان اصلی رایج در بین‌النهرین بود به رشته تحریر در آورد. همچنین کتاب شاپورگان خود را به پهلوی (پارسی میانه)، نگاشت و در روز تاجگذاری شاپور یکم ساسانی به او تقدیم کرد (گرانوسکی، 1385: 65). مانی خود را مبلغ مذهبی جهانی می‌شمرد و می‌گفت: ندای من را به همه زبان‌ها در شرق و غرب عالم خواهند شنید و سراسر شهرها از آن خبر خواهند یافت. کلیسای من بر تمام کلیساها برتری دارد زیرا دیانت‌های پیشین مختص ممالک و یا شهرهای معین بود ولی آئین من در اقصای عالم اشاعه یافته و انجیل من به همه ممالک خواهد رسید (گریشمن، 1379: 309) این پیشگویی چندان هم نادرست نبود زیرا: طی 12 قرن، از قرن سوم تا پانزدهم میلادی آئین مانی سراسر نیمکره شمالی را از اقیانوس اطلس تا اقیانوس آرام تحت نفوذ خود قرار داد، رمز این موفقیت هم چیزی نبود جز انعطاف‌پذیری فوق‌العاده و قدرت سازگاری مثال‌زدنی این دین جدید. (راوندی: 1383: 765). مانی که در خانواده‌ای اشرافی متولد شده بود همچون زرتشت، بودا و مسیح خود را فرستاده خداوند برای تکمیل آنچه پیش از او وحی شده می‌دانست. او دیانت همگانی تازه‌ای را تبلیغ می‌کرد؛ دیانتی که همچون مسیحیت راه ورود به آن بر روی تمام انسان‌ها اعم از فقیر و غنی و از هر طبقه و قشر اجتماعی و از هر نژاد باز بود (گریشمن، 1379:

310). مانی به هر دلیل، خواه مخالفت با دربار یا اختلاف‌های مالی و ملکی و با خاندان‌های بزرگ، رشک بردن به قدرت رو به گسترش موبدان و شاید هم به راستی تلاش برای رهایی توده‌های دربند، پرچم مخالفت با هیأت حاکمه برافراشت ولی چون توانایی درگیری مستقیم و ستیز مسلحانه با نظام حاکم رانداشت، قیام خود را بر مبارزه فرهنگی - دینی استوار کرد. وی در دوره‌ای که ظلم و استبداد و اختلاف شدید طبقاتی و تجاوز و زورگویی و تعصبات و اختلافات مذهبی در ایران سایه افکنده بود، چون در خود قدرت مبارزه مثبت با زورمندان را نمی‌دید، ناچار به مبارزه منفی توسل جست و برای آنکه از تعصبات و جنگ‌های مذهبی و اختلافات طبقاتی بکاهد، مذهبی تلفیقی و جهانشمول به مردم دنیا عرضه کرد و خلق را به زهد و پرهیزگاری و قناعت دعوت کرد (راوندی، 1383: 760).

با مرگ شاپور و جانشینش هرمز که او هم از پشتیبانان آیین مانی بود، وضع دگرگون شد: کرتیر به همراه تعدادی دیگر از مغان علیه مانی دادنامه‌ای تنظیم کرده و نزد بهرام از وی شکایت بردند که: مانی علیه قانون ما تعلیم می‌دهد؛ دین‌رسمی زرتشتی که مجوس‌ها متولیان‌ش بودند همیشه، قانون نامیده می‌شد و این نوع اهانت به اعتقادات مذهبی از لحاظ قضایی در اواخر دوران ساسانی «توهین به خدا» تلقی می‌شد و مجازاتش مرگ بود (ویدن‌گر، 1376: 56). بهرام اول تحت تأثیر موبدان قرار گرفت و با مانی و پیروان او بی‌اعتنایی کرد و فرمان حبس او را صادر کرد. مانی در دادگاه مذهبی که به پشتیبانی دربار دایر شده بود، با موبدان که هم شاکا و هم قاضی بودند به گفتگو پرداخت. در این محاکمه یک طرفه مانی را به جرم خروج از دین به زندان افکندند. حبس مانی تنها با مرگ وی پایان یافت (راوندی، 1383: 772).

### اندیشه‌ها و تعالیم مانی

بنیان‌های فکری مانی عجیب، پیچیده است؛ اساس دین مانی بر خیر و شر و نور و ظلمت مبتنی است. منشاء کل وجود یا خدای بزرگ دوتاست که یکی را نور و دیگری را ظلمت می‌نامید؛ نور در بالا و ظلمت در پایین بود (راوندی، 1383: 772). اصل دو عنصر خدا و ماده اساس آیین مانوی است؛ این دو ماده ازلی را که هرگز در مرحله خلق شدن قرار نگرفته‌اند، می‌توان نور و ظلمت یا حقیقت و دروغ نامید؛ البته مانوی‌ها به دو خدا معتقد نبودند (ویدن‌گر، 1376: 61). قلمرو نور که همان قلمرو خدا است، در سه جهت شمال، شرق و غرب بی‌انتها بود، اما از طرف جنوب به تاریکی محدود می‌شد. در قلمرو نور، صلح و هماهنگی مطلق حاکم بود (ویدن‌گر، 1376: 66). در جنگ بین نو و تاریکی، به سبب غلبه نیروی تاریکی بر ذرات نور، نوعی درهم آمیختگی به وجود آمد؛ همین امر منجر به پیدایی اصطلاح رنج خدا در آموزه‌های مانی دارد (ویدن‌گر، 1376: 74).

مانی که خود را رهایی‌بخش توده‌های ستم‌دیده از سلطه اشراف می‌دانست، جامعه مورد نظر خود را بر پنج طبقه تازه نهاده بود: طبقه نخست 12 رسول، طبقه دوم 72 اسقف، طبقه سوم 360 تن شیوخ، طبقه چهارم برگزیدگان و طبقه پنجم سمانون یا نیوشگان که عده افراد آن محدود نبود و در حقیقت کلیه مومنان و کسانی که طاقت اجرای تعالیم دشوار طبقه برگزیدگان را نداشتند در این صف وارد می‌شدند (کریستین‌سن، 1383: 256). مانی می‌خواست «قدرت تحمل مصائب» را معیار جداسازی طبقات از یکدیگر قرار دهد. حکمت علمی فرقه مانویه نیز مبتنی بر قواعد و اصولی است که در آن به 7 مهر مربوط به امور اعتقادی و رفتار و کردار اشخاص اشاره شده بود، از این 7 مهر «مهر دهان» عبارت از دوری جستن از گفتار کفرآمیز است - کفر به آن معنی که مانی معتقد به آن است - «مهر دست» خودداری از اعمال زشت، «مهر دل» خودداری از شهوات و آرزوهای پلید و... از آموزه‌های دین تازه این بود که: مانویون از خوردن گوشت حیوانات و آزار رساندن به ذرات نور منع می‌شدند. یک مانوی نمی‌توانست غذای بیش از نیاز یک‌سال داشته باشد. باید بدون زن و هرگونه تعلق برای نشر پاکی به اقطار دنیا سفر کند؛ ولی عامه مومنان یعنی نیوشگان از این قواعد سخت معاف بودند و

می توانستند که به مشاغل عادی خود ادامه دهند، گوشت بخورند اما نباید که حیوان را به دست خود بی جان کرده باشد؛ می توانستند زن بگیرند و به زندگی ساده‌ای بدون دلبستگی به دنیا ادامه دهند (کریستین سن، 1383: 257-258).

در مانویت بیان می‌شود که هنگامی که آزادی انسان از او گرفته شود، مانند این است که او را زندانی کرده باشند. ترس او را احاطه می‌کند، او مست اوهام دیوانه کننده می‌شود، چنانکه گویی با مخدری از خود بی خود شده است. گویی در تاریکی محض، مبهوت رنج و عذاب است، گویی که ماری تورا گزیده باشد، اسیر تافتگی شهوت است (ویدن گر، 1376: 85). این باور مانی موثر بر اندیشه هبوط در نزد آگوستین و لزوم پیدایی دولت است. در همین رابطه آگوستین بیان می‌دارد: اما انسان از اراده آزاد خود برای برآوردن خواست های خود و نه به جای آوردن فرمان خداوند استفاده کرد. این غرور انسان باعث فلاکت او شد. بشر برای این دچار غرور شد که از هیچ برآمده است. انسان از هدایت عقل فطری چشم پوشید و سر به عصیان گذاشت. به این ترتیب از زندگی جاودان به زندگی موقت در این خاکدان محکوم شد. اما خداوند نمی‌خواست انسان را محکوم به رنج ابدی کند بنابراین مسیح منجی را فرستاد تا به انسان امکان جبران خطای خود را بدهد.

همانگونه که بیان گردید؛ از جمله علاقه‌مندان مانوی آگوستین قدیس می‌باشد، در علت جلب وی به مانوی باید گفت که وی جذب توانایی ظاهری دین مانی در ارائه تفسیر کاملی از جهان هستی و تلاش آن از ابتدا برای توضیح منطقی همه پدیده‌ها بود. خود آگوستین می‌گوید: ادعای آنها مبنی بر قادر بودنشان به از بین بردن مفهوم قدرت قهار و رهنمون شدن به خدا از طریق دلایل ساده و کافی و نیز رها ساختن همه کسانی که به آنها گوش فرا می‌دهند از خطاهایشان باعث جذب وی گردید (ویدن گر، 1376: 163). از جمله آموزه‌های مانی، هبوط می‌باشد که در اندیشه آگوستین و به تبع آن در لزوم دولت موثر واقع بوده است. **هبوط، تبعید و قلمرو روشنی در اندیشه مانی البته متأثر از همان دو اصل**

**نور و تاریکی می‌باشد.** چون شهریار تاریکی موفق شده بود که بخشی از نور الهی را در خود زندانی کند، انسان تصویر تمام‌نما یا عالم صغیری شد که فاجعه رودرویی دو اصل نیکی و بدی در آن به مقیاس کوچک و خلاصه وجود داشت. در قلمرو تاریکی شهریار درنده‌خویی که حاکم مطلق آنجاست خود نیز «روان» است و بر حرکات ماده در مبارزه بر ضد روشنی فرمانرواست. آگوستین که یک رساله کامل خود را به «دو روان» اختصاص داده نیز همچون مانی معتقد است که همین «روان بد» نفس پرست منشا تمام جنگ‌ها و حاکم بر نزاع درونی است تا «روان نیک» را به انقیاد خود درآورد. در واقع گناه اولیه می‌تواند ریشه در این ساختار دوگانه داشته باشد (دکره، 1380: 119-120). شایسته است تا به اندیشه‌های آگوستین مختصر اشاره‌ای گردد تا تاثیر باور مانی در ارتباط با نور و تاریکی (خیر و شهر و یا همان شهر خدا و شهر زمین اندیشه‌ی آگوستین) و ارتباط آن با برخی از مفاهیم حقوق عمومی آشکار گردد. چراکه فرض ما این است که، اندیشه‌های مانی از طریق آگوستین وارد مباحث حقوق عمومی گردیده‌اند.

آگوستین به سال 354 میلادی در تاگاست (شهر کوچکی در آفریقای شمالی) به جهان آمد. در نوزده سالگی به سبب مطالعه و نوشته سیسرون درباره هورتنسیوس دل بسته فلسفه شد و با آیین مانوی آشنایی یافت و در حلقه مانویان درآمد. ولی در سال 382 نادرستی اندیشه‌های آنان را دریافت؛ اما آموزه‌های نور و تاریکی مانی همواره نزد آگوستین باقی ماند. در سال 387 به دست امبروزیوس غسل تعمید یافت؛ آگوستین از 388 تا پایان زندگی در آفریقا ماند. به سال 391 اسقف والرویس در شهر «هپو» او را بر خلاف میلش در جرگه روحانیون درآورد و در سال 395 به مقام اسقفی رسید و از همین شهر کوچک آوازه اش به تمام جهان راه یافت. (یاسپرس، 1363: 8-9).

آگوستین نیز در ارتباط با هبوط انسان که منجر به لزوم دولت می‌گردد می‌گوید: اجداد نخستین ما اگر مرتکب گناه نمی‌شدند نمی‌مردند؛ ولی چون مرتکب گناه شدند همه اعقاب آنها می‌میرند. خوردن سیب (شجره ممنوعه) نه فقط مرگ

طبیعی بلکه مرگ ابدی، یعنی لعنت را نیز باعث شد. (راسل، 1373: 507). در واقع مفهوم گناه انسان، یا گناه نخستین یکی از ارکان تفکر سیاسی آگوستین و دیگر آباء نخستین است. آگوستین به‌ویژه از دولت می‌خواهد نظم خود را حفظ نماید؛ اما اگر انسان گناهکار نبود، بی‌نظم نمی‌شد، بنابراین گناهکار بودن انسان وجود حکومت را ضروری کرده است. بدین ترتیب خداوند در آغاز، حکومت را در نظر نداشت، زیرا مقرر بود انسان باید «بر ماهیان دریا، بر مرغان هوا، و بر هر چیز خزنده‌ی روی زمین تسلط داشته باشد. مقدر نبود هیچ انسانی تابع انسان دیگری باشد»، اما گناهکار بودن انسان به نابرابری و تابعیت او انجامید که در نهادهای بردگی، حکومت و مالکیت خصوصی متجلی شد (عالم، 1376: 229). بنا به آموزه‌ی دولت آگوستین، حال که انسان موجودی عصیان‌گر و خطرناک است نهادهای سیاسی موجود هر قدر که نارسا باشند همین که نوعی نظم را تضمین کنند قابل تقدیرند (پولادی، 1382: 122)

یکی از مهم‌ترین کارهای آگوستین تعریف روشن و توانمند از جامعه‌ی مشترک‌المنافع، یا دولت خوب است. آگوستین «دولت را مجموعه‌ای از انسان‌های معقول و فردگرا می‌داند که بنا به توافق عمومی و مشترک در مورد هدف‌های دوستی خود و به چیزهایی که عشق می‌ورزند با یکدیگر پیوند یافته‌اند.» این تعریف از هر نوع جامعه‌ی مشترک‌المنافع و دولت می‌تواند باشد؛ اما اینکه خوب باشد یا بد، به هدف دوستی مردم بستگی دارد، جامعه‌ی مشترک‌المنافع خوب برای مردم خود عدالت برقرار می‌کند. چرا که دولت به خودی خود نه عادل است و نه اخلاقی بلکه این جهانی است و این نتیجه‌ی گناه نخستین است، اما به‌همین دلیل است که داشتن یک دولت ضروری است؛ ولی برای اینکه دولت عادل و اخلاقی باشد باید از اصول مسیحی عشق به خدا و دوست داشتن یکدیگر به خاطر خدا پیروی کند. وظیفه‌ی کلیسا است که دولت را به این اصول مزین کند. پیش از مسیحیت جامعه‌های مشترک‌المنافی وجود داشتند، اما هیچ یک از آنان برای مردم خود عدالت نیابردند. جامعه‌ی مشترک‌المنافع راستین باید جامعه‌ای مسیحی باشد و همه‌ی شرایط لازم را که دولت می‌تواند برای پیشرفت مقصود خداوند یا عدالت فراهم آورد (عالم، 1376: 227).

آگوستین وظیفه‌ی نخستین دولت را حفظ صلح و نظم دانست. آگوستین نخستین فیلسوفی است که اندیشه‌ی صلح جهانی را در دوره‌ی خود مطرح کرد (طاهری، 1379: 147) و بحث و گفتگو درباره‌ی آن را پیش کشید و این موضوعی است که از زمان وی به بعد دائماً ذهن متفکران جوامع غربی را به خود مشغول ساخته. این نظر، یعنی حفظ صلح و نظم به‌وسیله دولت، نه -تنها در مورد دولت مسیحی بلکه در مورد دولت‌های غیرمسیحی هم درست است. ساکنان شهر زمینی آرزومند صلح‌اند تا از هدف‌های دوستی خود یعنی چیزهای مادی، خوبی‌های این جهان بیشتر و بهتر بهره ببرند. مردمان شهر آسمان بدان سبب صلح می‌خواهند که خود را وقف پرستش خدا کنند و این زندگی حقیر تحمل‌پذیرتر شود. فقط صلحی ارزشمند است که مسیحیان می‌خواهند، زیرا این صلح است که پرستش خداوند را ممکن می‌کند اگر می‌خواهیم بدرستی بخش بیشتر تفسیر آگوستین درباره‌ی دولت را بفهمیم باید هدف اصلی او را در نوشتن کتاب «شهر خدا» به یاد داشته باشیم که برای دفاع از مسیحیت بوده است.

### رابطه دین و دولت در اندیشه مانی و آگوستین

باید پذیرفت که در باور مانی دین و دولت در ارتباطی نزدیک با هم به‌سر می‌برند و البته دلیل این امر را می‌توان هم در رابطه دین زرتشت با دولت ساسانی و هم اولین کتاب مانی به نام شاهپورگان دانست. در واقع علت تالیف شاهپورگان به زبان فارسی میانه، این بوده است که سخنور با ذکاوت روحانی قصد داشته برای پیشبرد تعالیم خود، با به کار بردن زبان امپراتوری جدید که همان زبان سلسله ساسانی بوده است احترام خویش را به فرمانروای جدید ثابت کند (ویدن‌گر، 1376: 102). در واقع از همین رو هم بود که به پشتوانه دو پشتیبان قوی خود در دربار شاهپور، یعنی مهرشاه و پیروز (که هر



دوی آنها را به کیش خود درآورده بود) به تبلیغ دین خود پرداخت. در واقع خود مانی ذکر می‌کند: شاهپور شاه برای من نگران بود و به همه سران مملکتی نوشت؛ با او همراهی کرده و از او دفاع کنید و مواظب باشید کسی به او تعدی و تجاوز نکند. در واقع در همین باور همراهی دین و دولت است که مانی سال‌ها در معیت شاه به سر می‌برده است و در واقع مانی به دربار شاه تعلق داشته و جزو تیولداران دربار بوده است (ویدن گر، 1376: 48-46).

البته آگوستین در ارتباط با رابطه دین و دولت تا حدی متفاوت از مانی گردید؛ در هر حال جدا کردن حوزه دین از حوزه سیاست از بزرگ‌ترین دستاوردها در عرصه تاریخ اندیشه سیاسی است که افتخار آن را باید از آن آگوستین دانست. این تحول آثار درازی در سیاست جوامع اروپایی داشته است. طبق استدلال آگوستین دولت باید حکم بازوی دنیوی کلیسا باشد. دولت وظیفه اداره جامعه را دارد، که در آن علایق روحانی برتر از علایق دیگر است. نظریه تیوکراسی (به معنی حکومت الهی روحانیون) در همین وقت رنگ ویژه‌ای اختیار می‌کند. در الهیات آگوستین قدرت دولت تابع قدرت شرعی است که نیروی لایزال الهی منشأ می‌گیرد. به عبارت دیگر، با آن که کلیسا از دولت جدا است، دولت تنها در صورتی می‌تواند جزء وابسته شهر خدا باشد که در تمام امور مذهبی از کلیسا متابعت کند. متولیان مذهبی با این ادعا که گویا روح مقدم بر جسم است، استلال می‌ورزند که دین و عقیده (قدرت شرعی) هم ما فوق حکومت (قدرت عرفی) است. هسته‌ی اصلی نظریه‌ی سیاسی آگوستین جدا کردن دو جامعه‌ی خاکی و جامعه‌ی آسمانی است، جامعه از نظر او به جامعه‌ی آسمانی (شهر خدا) و جامعه‌ی زمینی (خاکی) دسته‌بندی می‌شود، در جامعه‌ی آسمانی پاکان و برگزیدگان زندگی می‌کنند که همانا نماینده‌ی خداپرستی‌اند، نماینده‌ی چنین جامعه‌ای (آسمانی) در این جهان کلیسا است و کار آن آماده کردن آدمی‌زادگان برای پذیرفته‌شدن به جامعه‌ی آسمانی است و هدف شهر خدا در این دنیا تحقق بخشیدن به دو مطلوب بزرگ انسانی یعنی «صلح» و «عدالت» است. از سوی دیگر دولت یا کشور و جامعه‌ای که در آن امپراتور حاکمیت دارد و نماینده‌ی جامعه‌ی زمینی است. در این جامعه گناهکاران زندگی می‌کنند و عدالت در آن وجود ندارد، این جامعه برای رسیدن به عدالت باید تابع کلیسا باشد (خدادادی، 1382: 164).

### نتیجه‌گیری

مانی به‌عنوان فردی (پیامبری) که در دوره ساسانیان و در ارتباط با شرایط آن زمان و مکان ظهور کرد، دارای آموزه‌ها و اندیشه‌هایی بوده و است که هرچند شاید در نگاه نخست کمترین ارتباطی با مباحث حقوق عمومی داشته باشند اما از طریق اثرگذاران بر اندیشه‌های فردی چون آگوستین، بر برخی از مفاهیم حقوق عمومی تاثیر گذارد. اندیشه‌ی بنیادی مانی که همان دوگانه نور و تاریکی بود و البته در پس این اندیشه نیز موضوع هبوط انسان را مطرح می‌سازد، به وضوح خود را در اندیشه‌های آگوستین بروز داده و از آن طریق و در پالایشی که آگوستین در آن اندیشه‌ها ایجاد می‌کند، بر حقوق عمومی و به‌ویژه آموزه لزوم دولت موثر واقع می‌گردند. همچنین نوع رابطه دین و دولت در اندیشه مانی هر چند در نگاه نخست متفاوت از اندیشه دین و دولت در اندیشه آگوستین است و به همراهی و گاه زیردستی دین در همراهی با دولت شهرت یافته، اما با اندک دقتی می‌توان دریافت که در این مورد نیز این اندیشه مانی است که بر اندیشه آگوستین موثر واقع شده و دولت را خدمتگذار دین می‌نماید، چرا که مانی که خود را رهایی‌بخش توده‌های ستمدیده از سلطه اشرف می‌دانست، جامعه مورد نظر خود را بر پنج طبقه تازه نهاده بود: طبقه نخست 12 رسول، طبقه دوم 72 اسقف، طبقه سوم 360 تن شیوخ، طبقه چهارم برگزیدگان و طبقه پنجم سمانون یا نیوشگان که عده افراد آن محدود نبود و در حقیقت کلیه مومنان و کسانی که طاقت اجرای تعالیم دشوار طبقه برگزیدگان را نداشتند در این صف وارد می‌شدند. با توجه به این موضوع در می‌یابیم که حتی در انگاره مانی نیز دین برتر از دلت و یا حداقل همپای دولت می‌باشد؛ البته باید توجه داشت

که مانی در ابتدای رسالتش به کمک دولت برای ترویج دین خود نیاز داشت و منطقی هم نبود که از ابتدا داعیه برتری بر دولت را داشته باشد. در واقع این تحقیق نشان می‌دهد که می‌توان در مفاهیم دولت و رابطه دین با آن، رگه‌هایی از آموزه‌های مانی را یافت، البته آموزه‌هایی که از مجرای آموزه‌های آگوستین وارد حوزه حقوق عمومی گردیده‌اند.



## منابع

1. پولادی، کمال (1382)، **تاریخ اندیشه‌ی سیاسی در غرب، از سقراط تا ماکیاولی**، تهران: مرکز.
2. خدادادی، محمداسماعیل (1382)، **مبانی علم سیاست**، قم: یاقوت.
3. دکره، فرانسوا (1380)، **مانی و سنت مانوی**، ترجمه عباس باقری، تهران: انتشارات فروزان روز.
4. راسل، برتراند (1373)، **تاریخ فلسفه غرب**، مترجم نجف دریا بندری، تهران: کتاب پرواز.
5. راوندی، مرتضی (1383)، **تاریخ اجتماعی ایران**، انتشارات نگاه، جلد اول.
6. سایکس، پرسی (1380)، **تاریخ ایران**، ترجمه سید محمدتقی فخر داعی گیلانی، چاپ هفتم، انتشارات افسون، جلد اول.
7. عالم، عبدالرحمن (1376)، **تاریخ فلسفه‌ی سیاسی غرب**، تهران: وزارت امور خارجه.
8. عطایی فرد، امید (1384)، «فتنه مزدک»، **روزنامه شرق**، سال سوم، شماره 648.
9. عمیدزنجانی، عباسعلی (1383)، **حقوق اساسی ایران در دوران باستان، نشریه حقوق اساسی**، سال 2، ش 3، زمستان.
10. طاهری، ابوالقاسم (1379)، **تاریخ اندیشه‌های سیاسی در غرب**، تهران: قوس، 1379.
11. کاتوزیان، ناصر (1383)، **مبانی حقوق عمومی**، ج 1، تهران: شرکت سهامی انتشار.
12. کاتوزیان، ناصر (1379)، **کلیات حقوق: نظریه عمومی**، ج 1، تهران: شرکت سهامی انتشار.
13. کریستین سن، آرتور (1377)، **ایران در زمان ساسانیان**، ترجمه رشید یاسمی، چاپ پنجم، انتشارات دنیای کتاب.
14. گرانتوسکی، ا. آ. م. آ.، **دانداماو (1385)**، **تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز**، ترجمه کیخسرو کشاورزی، انتشارات مروارید.
15. گیرشمن، رومن (1379)، **تاریخ ایران از آغاز تا اسلام**، ترجمه محمود بهروزی، انتشارات جامی.
16. قاضی، ابوالفضل (1383)، **حقوق اساسی و نهادهای سیاسی**، ج 1، تهران: انتشارات میزان.
17. مونتسکیو، شارل لوئی دو سکوندا (1362)، **روح القوانين**، ج 1، ترجمه و نگارش علی اکبر مهتدی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
18. وسکایا، پیگولو (1353)، **تاریخ ایران از عهد باستان تا قرن 18**، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات تهران.
19. ویدن گر، گئو (1376)، **مانی و تعلیمات او**، ترجمه زهت صفای اصفهانی، تهران: انتشارات مرکز.
20. میخائلوویچ دیاکونوف، میخائیل (1383)، **تاریخ ایران باستان**، ترجمه روحی ارباب، چاپ سوم، انتشارات علمی فرهنگی.
21. باسپرس، کارل (1363)، **آگوستین**، مترجم محمد حسن لطفی، تهران: انتشارات خوارزمی.